در تاریخ ۱۴ تیر ۱۳۸۸
نکاح

جلسه 42

بسم الله الرّحمن الرّحيم
الحمدلله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

ادامه بیان مرحوم طبرسی در معنای آیه 3 سوره نساء

بیان نمودیم در آیه‌ی شریفه سوم از سوره مبارکه‌ی نساء یکی از نکات مهم این است که ارتباط بین شرط و جزا چگونه است ؟ در بحث گذشته دو بیان را راجع به معنای آیه و این ارتباط ذکر کردیم، در این جلسه احتمالات دیگر را دنبال می‌کنیم.

قول سوّم:این احتمال است که مرحوم طبرسی در مجمع البیان فرموده «أنهم كانوا يشددون في أموال اليتامى و لا يشددون في النساء ينكح أحدهم النسوة فلا يعدل بينهن فقال تعالى كما تخافون ألا تعدلوا في اليتامى فخافوا في النساء فانكحوا واحدة إلى أربع»؛ می‌فرماید مردم نسبت به امور یتامی خوف داشتند؛ نسبت به این که اموال یتامی را درست تصرف نکنند و درست به کار نبرند، شدیداً احتراز و اجتناب داشتند؛ مخصوصاً بعد از اینکه نسبت به تصرّف در اموال یتامی خداوند فرمود إِنَّهُۥ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا، گناه بسیار بزرگی است؛ آن وقت احتمال سوم این است که مقصود خداوند از این آیه این باشد:

حال که شما در مورد یتامی خوف دارید، چرا فقط در مورد اینها خوف دارید؟ در مورد زنها هم خوف داشته باشید؛ یعنی همان طور که در مورد یتامی خوف دارید که اگر روی میزان عمل نکنید گرفتار عقاب بشوید، نسبت به نساء هم همین خوف را باید داشته باشید. و این از آن جهت بوده که در آن زمان مردها زن‌های متعدد می‌گرفتند و بین آنها رعایت عدالت نمی‌کردند. آیه می‌خواهد بفرماید همان‌طور که عدالت نسبت به یتامی لازم است، نسبت به نساء هم لازم است.

این را هم اضافه کنم که طبق این احتمال، وزان نساء می‌شود وزان یتامی؛ یعنی در این آیه شریفه خداوند می‌خواهد مردها را متوجّه کند که همان نحو رعایتی که در مطلق یتامی دارید، چه یتیم پسر باشد و چه غیر پسر، همان رعایت را در مورد زن‌ها هم داشته باشید. همان طور که در مورد یتامی خوف دارید مبادا گرفتار ظلم نسبت به آنها بشوید و گرفتار گناه بزرگ بشوید، نسبت به زن‌ها هم این خوف را داشته باشید. طبق این معنا، «فانکحوا» جواب شرط برای «وإن خفتم» نیست. بلکه «فانکحوا» سادّ مسدّ جزای حقیقی است؛ و آن، «فخافوا فی النساء» است که در تقدیر است. فخافوا فی النساء در مورد زن‌ها هم خوف داشته باشید.

پس، چه باید بکنید؟ «فَٱنكِحُواْ مَا طَابَ لَكُم مِّنَ ٱلنِّسَآءِ مَثۡنَىٰ وَثُلَٰثَ وَرُبَٰعَ» بیشتر از چهار زن تزویج نکنید. «فَإِنۡ خِفۡتُمۡ أَلَّا تَعۡدِلُواْ فَوَٰحِدَةً» و اگر هم خوف دارید نفقه اینها را درست ندهید، بیشتر از یکی نگیرید.

این معنای سوم را سعید بن جبیر، قتاده، ضحاک و حتی ابن عباس ذکر کرده است. به این معنا نیز آن اشکالی که مرحوم طبرسی و مرحوم علامه دارند، وارد نیست.
معنای سوم با لفظ آیه دور نیست. با ظاهر آیه ناسازگار نیست. تنها مبعّدی که این معنا دارد، این است که ما بخواهیم بگوییم در

اسلام ترک عدالت بین نساء از حیث نفقه با ظلم به یتامی یکسان است، این قابل قبول نیست. مسئله یتامی در اسلام بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. این که بگوییم این دو یکسان هستند و هر دو گناه بزرگ هستند، این فی نفسه بعید است.

بالاخره ظلم هم مراتب دارد؛ اگر مردی نفقه‌ی زنش را نداد یا کم داد، ظلم کرده است و بعداً هم اگر ندهد تا آخر عمر و از دنیا برود، باید از اموالش نفقه زن را بپردازند؛ غیر از نفقه اولاد بر پدر یا پدر بر اولاد است که عنوان دیون را ندارد؛ حال، اگر ترک نفقه را بگوییم ظلم است، این هم حوباً کبیراً باشد، یک مقداری استبعاد دارد.

قول چهارم:معنای چهارم این است: «إنّهم کانوا یتحرّجون من ولایة الیتامی، وأکل أموالهم، إیماناً وتصدیقاً»، فقال سبحانه: «إنّ تحرجتم من ذلک، فکذلک تحرّجوا من الزنا، وانکحوا النکاح المباح، من واحدة إلی أربع»؛ در این معنا، بعد از اینکه در آیات فراوانی در مورد یتامی بیان شد که خوردن مال یتیم باعث آتش می‌شود؛ کسانی که مال یتیم را می‌خورند «إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا»؛ این سبب شد که مردم از عهده‌دار شدن یتامی یک مقداری تحرج داشته باشند؛ سختشان بود و سعی می‌کردند ولایت یتامی را نپذیرند.

سعی می‌کردند منزلی که در آن یتیم وجود دارد، نروند سر سفره آن بنشینند و غذا بخورند. آیه می‌فرماید شما که اینطوری تربیت شده‌اید، چرا مرتکب گناه زنا می‌شوید؟ «فتحرجوا عن الزنا» از زنا خودداری کنید؛ و به جای آن، «فَٱنكِحُواْ مَا طَابَ لَكُم مِّنَ ٱلنِّسَآءِ» بروید زن بگیرید؛ زن هم می‌توانید یکی، دوتا، سه‌تا، یا چهارتا بگیرید.

این معنا دیگر خیلی بعید است؛ بگوییم آیه می‌خواهد بگوید از زنا خودداری و اجتناب کنید؛ این بسیار بعید است.

قول پنجم:معنای پنجم عبارت است از: إن خفتم ألا تقسطوا فی الیتیمة المرباة فی حجرکم، فانکحوا ما طاب لکم من النساء، مما أحل لکم من یتامی قرباتکم، مثنی وثلاث ورباع بگوییم یتامایی که شما سرپرستی و نگهداری می‌کنید، با اینها ازدواج نکنید؛ اما می‌توانید با یتامایی که دیگران سرپرستی می‌کنند، ازدواج کنید.

نتیجه این می‌شود که در آیه قبل دارد «وَ ءَاتُواْ ٱلْيَتَٰمَىٰٓ أَمْوَٰلَهُمْ ۖ وَلَا تَتَبَدَّلُواْ ٱلْخَبِيثَ بِٱلطَّيِّبِ ۖ وَلَا تَأْكُلُوٓاْ أَمْوَٰلَهُمْ إِلَىٰٓ أَمْوَٰلِكُمْ» آن وقت اینجا که می‌رسد، بگوییم در این آیه فقط حکم نکاح یتامی را گفته است؛ به افرادی که خودشان یتامایی را سرپرستی می‌کنند، می‌فرماید با اینها ازدواج نکنید؛ اما بروید یتامایی که دیگران عهده‌دار شده‌اند و آنها به منزله پدرشان هستند با آنها ازدواج کنید. انصاف آن است که این معنای پنجم خیلی خلاف ظاهر است و حق با مرحوم طبرسی و علامه است. در اینجا یک معنای ششمی هم هست که خیلی اعتباری ندارد.

نظر برگزیده در معنای آیه

در میان این پنج معنا، تا اینجا همان معنای اول رجحان دارد؛ اشکالاتی که در سایر معانی وجود دارد، در این معنا نیست. در معنای اول گفتیم آیه بحث نکاح یتامی را مطرح کرده است که چه باید کرد و در این‌جا باید قبل از یتامی، کلمه‌ی «نکاح» در تقدیر گرفته شود. ممکن است کسی بگوید با قطع نظر از اشکالی که دیروز بر معنای دوم وارد کردیم، هم معنای اول نیاز به تقدیر دارد و هم معنای دوم؛ چه ترجیحی در اینجا وجود دارد؟ می‌گوییم وجه ترجیحش این است که آیه قبل حکم اموال را گفته و دیگر بحثی راجع به اموال باقی نمانده است که در این آیه بیان شود.

راجع به اموال، اگر مال یتیم پیش کسی باشد، سه صورت بیشتر تصور ندارد؛ یک صورت این است که مالش را به او اصلاً ندهند؛ که آیه می‌گوید حق ندارید اموال یتیم را نگهدارید و تا بالغ شد باید به آنها بدهید. صورت دوم این است که خود شخص

هم مالی داشته باشد، اما از مال یتیم نامرغوب‌تر باشد؛ در اینجا بیاید مال مرغوب یتیم را بگیرد و اموال نامرغوب خود را به او بدهد.

آیه می‌فرماید حق ندارید این کار را هم بکنید. و صورت سوم این است که همانطوری که از مال خودم استفاده می‌کنم و روی فرش خودم می‌نشینم، روی فرش او هم بنشینم. آیه می‌فرماید این حق تصرف را هم ندارید؛ «وَلَا تَأْكُلُوٓا۟ أَمْوَٰلَهُمْ» این «أکل» کنایه از تصرّف است. پس، در آیه‌ی دوّم حکم اموال همه را بیان کرده است و در آیه بعد، به قرینه «فَٱنكِحُوا۟»، باید در اینجا «نکاح» را در تقدیر بگیریم. پس، بنابراین، ما معنای اول را ترجیح می‌دهیم و خیلی هم معنای روشن و خوبی است.

نظر مرحوم علاّمه در معنای آیه

مرحوم علاّمه(رض) در اینجا کلامی دارد که باید آن را نیز بررسی کنیم. ایشان هم در نهایت معنای اول را اختیار کرده است اما با یک فرق و توضیحاتی؛ می‌فرمایند: در میان عرب جاهلیّت جنگ زیاد بوده، و در اثر جنگ، ایتام زیاد بودند؛ اغنیا و متمکّنین از مردان عرب هرکدام سه، چهار، پنج، شش نفر از این ایتام را می‌آوردند در منازل خودشان؛ اموالشان را هم می‌آوردند. قرآن نسبت به یتامی خیلی محکم برخورد کرد و گفت: «إِنَّ ٱلَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَٰلَ ٱلْيَتَٰمَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِى بُطُونِهِمْ نَارًا ۖ وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا».

یا آیات دیگری که راجع به یتامی است. مرحوم علاّمه می‌فرماید بعد از اینکه این آیات در مورد یتامی نازل شد، مسلمان‌ها خیلی ترسیدند؛ خافوا خوفاً شدیداً حتی بعضی‌هایشان آمدند هرچه یتیم در خانه داشتند، گفتند بروید جایی دیگر زندگی کنید؛ ما گرفتار جهنّم نشویم. به حدّی ترسیدند که حتی اگر غذایی را از مال آنها به خودشان می‌دادند و اضافه می‌آمد، دیگر جرأت نمی‌کردند این اضافه را بخورند.

بعد می‌فرماید آمدند خدمت پیامبر که یا رسول الله ما چکار کنیم؟ از یک طرف نمی‌توانیم اینها را بیرون کنیم و از طرف دیگر، در منزل ما باشند، غذای اینها کم می‌آید، زیاد می‌آید؟ دوباره آیه نازل شد که «وَيَسْـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلْيَتَٰمَىٰ ۖ قُلْ إِصْلَاحٌ لَّهُمْ خَيْرٌ ۖ وَإِن تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَٰنُكُمْ وَٱللَّهُ يَعْلَمُ ٱلْمُفْسِدَ مِنَ ٱلْمُصْلِحِ» امر شد که با اینها معاشرت کنید و اینها را بیرون نکنید؛ خدا هم می‌داند چه کسی کار را درست انجام می‌دهد و چه کسی به نیت بد انجام می‌دهد.
مرحوم علامه می‌فرماید وقتی شما این را به عنوان مقدمه بگیرید که چنین خوفی در میان مسلمانها نسبت به یتامی بوده و این آیات هم نازل شده است، حال، می‌آییم سراغ آیه «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا۟ فِى ٱلْيَتَٰمَىٰ فَٱنكِحُوا۟ مَا طَابَ لَكُم مِّنَ ٱلنِّسَآءِ مَثْنَىٰ وَثُلَٰثَ وَرُبَٰعَ ۖ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا۟ فَوَٰحِدَةً» می‌فرمایند این آیه ترقّی از آیه‌ی دوم است.

در آیه دوم می‌فرماید «وَءَاتُوا۟ ٱلْيَتَٰمَىٰٓ أَمْوَٰلَهُمْ ۖ وَلَا تَتَبَدَّلُوا۟ ٱلْخَبِيثَ بِٱلطَّيِّبِ ۖ وَلَا تَأْكُلُوٓا۟ أَمْوَٰلَهُمْ إِلَىٰٓ أَمْوَٰلِكُمْ» ترقی می‌کند، می‌فرماید این راجع به اموال، حتی در مورد نکاح هم همین‌طور است که اگر می‌ترسید رعایت عدالت نکنید، با یتامی ازدواج نکنید. عبارت ایشان این است:والمعنی والله أعلم: اتقوا أمر الیتامی ولا تتبدلوا خبیث أموالکم بطیب أموالهم ولا تأکلوا أموالهم إلی أموالکم حتی أنکم إن خفتم أن لا تقسطوا فی الیتیمات منهم ولم تطب نفوسکم أن تنکحوهن وتتزوجوا بهن فدعوهن وانکحوا نساءا غیرهن ما طاب لکم مثنی وثلاث ورباع.

پس اوّلین نکته اضافه مرحوم علامه مقدماتی است که ذکر فرموده‌اند. ذهنیتی که مردم نسبت به یتامی پیدا کردند. یعنی این دو جلسه گذشته حقش این بود که از ما سؤال می‌کردید این خوف از کجا آمد؟ این خوف باید باشد در میان مردم تا خداوند بفرماید وَإِنْ خِفْتُمْ ؛ منشأ این خوف آیاتی است که قبلاً در مورد یتامی نازل شده است.
حال این آیه می‌گوید خوفتان اینقدر باید بالا بیاید که حتی از نکاح با اینها صرف نظر کنید؛ چون ممکن است رعایت عدالت نکنید. پس، بروید زن‌های دیگر را بگیرید. مرحوم علاّمه می‌فرماید: معنای آیه این است که خداوند می‌فرماید شما اگر می‌ترسید از عدم عدالت، و نمی‌پسندید با یتیم‌ها ازدواج کنید به خاطر این‌که می‌ترسید نسبت به آن‌ها گرفتار ظلم شوید، بروید با دیگران

ازدواج کنید. دو نکته اینجا وجود دارد: یکی آن که وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا۟ فِى ٱلْيَتَٰمَىٰ اینجا از باب وضع سبب موضع مسبّب است.

مسبّب این است که دل مردم پاک و آرام نیست که با یتامی ازدواج کنند. و سبب این است که می‌گویند اگر ازدواج کنیم، شاید به اینها ظلم کنیم. پس، مسبّب جانشین سبب شد. نکته دوم این است که فَٱنكِحُوا۟ هم جانشین جزای واقعی است. جزای واقعی «فلا تنکحوهن» است. می‌گوید: اگر خوف دارید که به یتامی ظلم کنید، پس با آنها ازدواج نکنید. پس چکار کنند؟ «فَٱنكِحُوا۟ مَا طَابَ لَكُم مِّنَ ٱلنِّسَآءِ مَثْنَىٰ وَثُلَٰثَ وَرُبَٰعَ».

این هم کلامی است که مرحوم علامه دارد. منتها عرض کردیم روح این کلام نیز به همان معنای اول برمی‌گردد؛ ولی با بعضی اضافات. اما آیا ترقی مورد قبول است؟ به نظر می‌رسد همان عرض ما درست باشد که آیه قبل فقط مربوط به اموال است و بحث اموال در آن آیه تمام می‌شود؛ آیه بعد با چند قرینه که در آن وجود دارد، مربوط به نکاح است و اصلاً کاری به ا موال ندارد. لذا، اصلاً موضوع این آیه نکاح است و بحث ترقّی مطرح نمی‌شود.

وصلی الله علی سیدنا محمد وآله الطاهرین.